



حقوق تطبیقی

بررسی تطبیقی آدم‌ربایی در حقوق کیفری ایران و ایالات متحده آمریکا

امید پارسی پور^۳

حمید علیزاده^{۲*}

محمد حسن حسینی^۱

چکیده

اهتمام و احترام به آزادی اشخاص به معنای آزادی رفت و آمد از حقوق بنیادین بشر است و آدم‌ربایی یکی از مصادیق نقض آن و از جرایم علیه شخصیت معنوی اشخاص شمرده می‌شود. آدم‌ربایی از آن جهت که ممکن است وقوع برخی از جرایم را نیز تسهیل نماید در طبقه جرائم مانع نیز قرار می‌گیرد. جرم‌انگاری آدم‌ربایی در حقوق ایران و آمریکا نشان از اهتمام قانونگذاران دو کشور در حمایت از آزادی شخصی دارد. با این وجود سیاست کیفری آمریکا در مقایسه با ایران هم در مقوله جرم‌انگاری و هم کیفرگذاری کارآمدتری باشد. جرم‌انگاری چندپاره، نارسا، زائد و مبهم از یک سو و کیفرگذاری نامتوازن و تبعات سوء ناشی از آن حمایت کیفری کارآمد ایران را با چالش‌های جدی مواجه ساخته است. در مقابل جرم‌انگاری نقض آزادی شخصی تحت عنوان مجرمانه واحد یا پایه و جرائم مرتبط با آن و اعمال سیستم مجازات‌های مدرج با هدف برقراری دقیق تناسب بین جرم و مجازات در آمریکا به کارآمدی آن کمک نموده است.

تاریخ دریافت:

1399/04/26

تاریخ قبولی:

1399/10/29

قابل دانلود از تاریخ:

1399/10/04

کلیدواژه‌ها:

آدم‌ربایی، آزادی شخصی،
گروگان‌گیری، توقیف غیر قانونی.

^۱ استادیار حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه دامغان، دامغان، ایران.

نویسنده مسئول

^۲ دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه ارومیه، ارومیه، ایران.

^۳ کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه دامغان، دامغان، ایران.

۱ مقدمه

اهتمام قانونگذار کیفری ایران در حمایت از آزادی رفت و آمد افراد دارد. قانونگذار رفتارهای سالب آزادی را با چند عنوان مستقل مشتمل بر توقیف غیر-قانونی، آدمربایی، نوزادریایی و اختفاء دیگری در ضمن مواد ۵۷۰، ۵۸۳، ۶۲۱ و ۶۳۱ قانون مجازات اسلامی (بخش تعزیرات) مصوب ۱۳۷۵ جرمانگاری نموده است.

در مجموعه قوانین فدرال نقض آزادی شخصی در فصل پنجاه و پنجم قانون جرایم و دادرسی کیفری و تحت یک عنوان کلی kidnapping جرمانگاری شده است. قانونگذار فدرال توقیف غیر قانونی، آدمربایی، گروگانگیری و مداخله در عواید مالی ناشی از توقیف غیر قانونی و آدمربایی را در ضمن مواد ۱۲۰۱ تا ۱۲۰۴ قابل مجازات شناخته شده است. توقیف غیر قانونی و آدمربایی موضوع ماده ۱۲۰۱ ممکن است به هر منظوری از جمله دریافت مال نقدی و غیر نقدی از بزه دیدن در قبال آزادی او باشد؛ اما گروگانگیری موضوع ماده ۱۲۰۳ توقیف غیر قانونی دیگری با هدف و ادار ساختن شخص ثالث به انجام یا خودداری از انجام کاری به عنوان شرط صریح یا ضمنی برای آزادی بزه دیدن از طریق تهدید به قتل یا ایراد صدمه یا ادامه بازداشت بزه دیدن می باشد (Lippman, 2010, 340).

در این نوشتار با روش تطبیقی - تحلیلی در صدد است ضمن تدبیر نظامند جرم آدمربایی در حقوق ایران و آمریکا، به این پرسش پاسخ دهد که نقاط اشتراک و افتراق این دو نظام حقوقی کدامند و کارآمدی هر یک در دفاع از حق آزادی شخصی تا چه میزان است.

آزادی یکی از کلیدیترین حقوق طبیعی انسانهاست. از منظر عوام آزادی به معنایی انجام هر کاری است، بدون آنکه در خصوص انجام آن کارها مورد بازخواست قرار گیرند. از منظر فلاسفه آزادی در معنایی حقیقی تبعیت از یک نظم اخلاقی، اجتماعی و منطقی است. چراکه آزادی در غیر از معنایی حقیقی نوعی لجامکسینتگی و هرج و مرج است (رهایی، آبانگه، ۱۳۹۰، ۲). از اینرو، آزادی دارای معانی و انواعی است. آزادی که در این نوشتار مورد نظر است، آزادی رفت و آمد آدمی است که قانون چارچوب آن را مشخص میکند. بنابراین افراد بر این اساس میتوانند هر کجا بخواهند بروند، بنشینند، برخیزند، سکونت یا اقامت گزینند، سفر کنند یا کسی برخلاف میلش او را به مکان یا جایی دیگر منتقل نکند، کسی مانع وی نشود و راه را بر او نبندد و او را از رفت و آمد منع نکند مگر به موجب قانون.

در سطح قوانین بینالمللی و اعلامیههای حقوق بشر و قانون اساسیکشور ایران بر این حق طبیعی و اولیه انسان تاکید و حمایت شده است. تعرض به این آزادی میتواند جلوههای مختلفی داشته باشد که یکی از آنها آدمربایی است که محور این نوشتار است. آدمربایی از جرایم ناقض حریم خصوصی و سالب آزادی اشخاص است. آدمربایی اصولاً از جرایم علیه شخصیت معنوی اشخاص شمرده میشود با این حال ممکن است وقوع برخی جرایم را نیز تسهیل نماید و از این حیث می توان آدمربایی را در طبقه جرائم مانع نیز قرار داد.

جرمانگاری نقض حق آزادی شخصی تحت عناوین مجرمانه متعدد توقیف غیر قانونی، آدمربایی، نوزادریایی و اختفاء نشان از

۲ مفهوم و تمییز آدم‌ربایی از مفاهیم مشابه

آدم‌ربایی، معادل واژه‌های انگلیسی (kidnapping)، (abduction) است (میرزندهدل، ۱۳۹۳، ۱۲). در تعریف آدم‌ربایی برخی چنین بیان داشته‌اند: استیلا بر انسان و جا به جا نمودن دیگری به نحو غیر قانونی و برخلاف میل، اراده او (گلدوزیان، ۱۳۹۸، ۳۲۴).

آدم‌ربایی در کملاً به ربودن یک شخص از مکانی به مکانی دیگر که متضمن انتقال است، اطلاق می‌شود. (Perkins, Boyce, 1991, 28). هدف این جرم مجازات کسانی است که اقدام به انتقال بزه‌دید به مکان محسوری نمایند که در آنجا از حمایت قانونی برخوردار نباشند. چنانچه شخصی در یک اتاقی که تحت کنترل کامل آدم‌رباست محبوس شد باید می‌توان رعب و وحشتی که برای بزه‌دید ایجاد می‌شود را تصور نمود.

از جمله چالش‌های قانونی حمایت‌کیفری از حق آزادی شخصی، همپوشانی رفتارهای مجرمانه مستقل سالب آزادی رفت و آمد و دشواری تفکیک رکن مادی آنها در برخی موارد می‌باشد. فقدان تعریف قانونی با وجود رابطه تنگاتنگ بین جرائم مذکور موجب تداخل و تردید در خصوص دایره شمول هر یک از آنها شده است. این وضعیت حقوقدانان را ناگزیر از تفسیر مواد قانونی برای تعیین محدوده هر یک از آنها نموده است. برای نمونه روشن نیست که چه تفاوت معناداری بین اختفاء دیگری موضوع مواد ۵۸۳ و ۶۲۱ و ۶۳۱ وجود دارد یا تفاوت سلب آزادی شخصی موضوع ماده ۵۷۰ و ۵۸۳ را نمی‌توان به وضوح در کرد. تفکیک آدم‌ربایی و توقیف غیر قانونی ساده به نظر

می‌رسد. آدم‌ربایی عبارت است از سلب آزادی تن دیگری و انتقال بدون رضایت وی از مکانی به مکان دیگر بدون مجوز قانونی. بنابراین عنصر انتقال یا جابجایی بزه‌دید فارق آدم‌ربایی از توقیف غیر قانونی و اختفاء دیگری می‌باشد. اما در همین جا مواجه با این چالش خواهیم بود که آدم‌ربایی در ذات خود توقیف بزه‌دید را نیز به همراه دارد. در این صورت آیا از مصادیق تعدد جرم به شمار خواهد آمد یا خیر. همین وضعیت نسبت به اختفاء و توقیف غیر قانونی دیگری نیز صادق است. به علاوه توقیف غیر قانونی یا جابجایی به عنف دیگری ممکن است از لوازم و نتایج طبیعی ارتکاب سایر جرائم باشد. در این وضعیت این چالش وجود دارد که جرائم متعددی رخ داده است یا خیر. چنانچه شخصی فردی را ابتدا به صورت علنی توقیف و سپس او را به مکان دیگر منتقل و در آنجا می‌نماید آیا می‌توان وی را مرتکب سه عنوان مجرمانه مجزا قلمداد نمود؟ این چالش‌ها با تعدد مرتکبان تشدید خواهد شد. برای نمونه سه نفر با ایفای نقش مجزا اقدام به سرقت محموله یک کامیون می‌نمایند. نفر اول راننده کامیون را متوقف می‌سازد و نفر دوم کامیون را به همراه راننده به مکان دیگری منتقل می‌نماید و نفر سوم تا زمان تخلیه محموله کامیون، راننده آن را می‌بندد. حال مسئله این خواهد بود که آیا هر یک از آنان علاوه بر سرقت مرتکب عنوان مجرمانه دیگری از توقیف غیر قانونی، آدم‌ربایی و اختفاء دیگری شده‌اند و آیا می‌توان آنها را شرکای تمامی این جرائم بشمار آورد و مطابق قواعد تعدد جرم (بیش از سه جرم) با آنان رفتار نمود.

علیرغم شباهت‌های فراوان آدم‌ربایی با گروگان‌گیری نمی‌توان آن دو را کاملاً منطبق بر هم دانست (نبیاله، حبیب‌زاده، ۱۳۹۶، ۴۱). از سوی دیگر ایران به رغم تصویب کنوانسیون مقابله با گروگان‌گیری مصوب ۱۹۷۹ (به موجب قانون الحاق به

مستند به ماده ۶۲۱ قانون مجازات اسلامی به عنوان مصداق آدمربایی قابل مجازات میدانند. چه آنکه در این ماده آدمربایی به هر منظور جرمانگاری شده است. با این حال جرمانگاری صریح گروگانگیری در چارچوب تعهدات بینالمللی به منظور ترتب آثار حقوقی خاص آن طبق کنوانسیون یاد شده ضروری به نظر می‌رسد. لازم به ذکر است اگر گروگانگیری در داخل هوایپما رخ دهد مطابق ماده واحد قانون مجازات اخلاص گران در امنیت پرواز و خرابکاری در وسایل و تاسیسات هوایپمایی مصوب ۱۳۴۹ قابل مجازات میباشد.

ایراد دیگری که بر مقنن وارد است آن است که برای موضوع واحد (سلب آزادی به نحو کلی) الفاظ متعدد به کار برده است، در حالی که با توجه به هدف و یک حمایت از آزادی افراد است نیازی به استعمال الفاظ متعدد که نتیجه همه آنها یکی است (سلب آزادی) نداشته است، مضاف بر اینکه بر الفاظ متعدد مزبور، صرف نظر از اینکه میتوانند موجب برداشتهای متفاوت بشوند، اثر عملی خاصی نیز مترتب نیست (رحمدل، ۱۳۹۳، ۹۸).

در کمنلا و قوانین ایالتی از بازداشت غیرقانونی به توقیف غیرقانونی دیگری تعریف شده است. در قانون ایالت آیداهو^۲ صرفاً تصریح شده است که بازداشت غیرقانونی نقض آزادی شخصی دیگری بدون مجوز قانونی است. بازداشت غیرقانونی عموماً یک جرم جنجالی شناخته میشود و مجازات آن در ایالت آیداهو جزای نقدی تا حد اکثر پنج هزار دلار یا حبس تا حد اکثر یک سال یا هر دو مجازات مذکور است. در جرم بازداشت غیرقانونی وجود قصد توقیف بزه دیدن ضروری است. ایالات آرکانزا^۳ و ایالت‌های دیگر آمریکا از قانون جزای نمونه تبعیت و مقرر

این کنوانسیون مصوب ۱۳۵۸ با حق تحفظ) هنوز آن را جرمانگاری ننموده است. بند اول ماده نخست کنوانسیون مزبور گروگانگیری را اینگونه معرفی مینماید: هر شخصی مبادرت به توقیف و بازداشت و تهدید به کشتن، مصدوم کردن یا ادامه توقیف دیگری به منظور وادار کردن شخص ثالث یا یک کشور، سازمان بینالمللی، شخص حقیقی یا حقوقی یا گروهی از افراد جهت انجام یا خودداری از انجام اقدامی به عنوان شرط صریح یا ضمنی برای آزادی گروگان نماید در چارچوب این کنوانسیون مرتکب گروگانگیری شده است. بنابراین گروگانگیری به طور خلاصه عبارت است از توقیف یا بازداشت توأم با تهدید شخصی به منظور وادار کردن شخص ثالث به انجام یا ترک انجام رفتاری. بنابراین جرائم توقیف غیرقانونی و آدمربایی با گروگانگیری در رکن مادی دارای همپوشانید و فرق گروگانگیری از سایر جرائم سالب آزادی شخصی رکن معنوی آن است. بنابراین اگر آدمربایی بدون قصد وادار کردن شخص ثالث به انجام یا عدم انجام کاری باشد گروگانگیری محسوب نمی‌شود. به علاوه گروگانگیری با اهداف اخذی از شخص ثالث است در حالی که آدمربایی می‌تواند با هدف اخذی از خود بزه دیدن (شخص ربوده شده) ارتکاب یابد. به عبارت دیگر در آدمربایی شخص ربوده شده هدف اصلی جرم است اما در گروگانگیری بزه دیدن تنها وسیله‌ای برای تحقق خواسته‌های مرتکب توسط شخص ثالث میباشد. بر همین اساس برخلاف سایر جرائم سالب آزادی شخصی که مرتکبان سعی در ارتکاب آن به صورت پنهانی دارند، در گروگانگیری مرتکب آن را آشکار مینماید. در حال حاضر رویه قضایی گروگانگیری را

² Arkansas

¹ Idaho



در حقوق کیفری آمریکا افرادی که به صورت غیر قانونی توقیف میشوند میتوانند از دادگاه مدنی مطالبه خسارت نمایند. عدم ضرورت انتقال بزه‌دیدن برای تحقق جرم توقیف غیر قانونی مهم‌ترین تفاوت این جرم از آدم‌ریایی است. علاوه بر آن در مواردی همکه قوانین آدم‌ریایی علاوه بر انتقال بزه‌دیدن، توقیف بزه‌دیدن را نیز قابل مجازات می‌شناسند مجازات توقیف بزه‌دیدن مشروط به آن است یا مخفیانه باشد و یا بزه‌دیدن در مکانی نگهداری شود که امکان دسترسی و تماس با دیگران را نداشته باشد و با هدف خاص (برای نمونه دریافت باج) انجام شده باشد. در قانون جزای نمونه تصریح شده است که برای تحقق آدم‌ریایی از طریق توقیف دیگری مدت زمان آن می‌بایست قابل ملاحظه باشد. در مقابل در جرم بازداشت غیر قانونی ممکن است بزه‌دیدن در یک مکان عمومی و خصوصی (مانند یک خانه) توقیف شود و نیز ممکن است مدت توقیف بزه‌دیدن کوتاه یا طولانی باشد. در ایالت‌هایی مانند ایالت آلاباما^۴ چنانچه فردی اقدام به توقیف دیگری تحت شرایطی نماید که او را در معرض خطر صدمه بدنی شدید قرار دهد مجازات جرم توقیف غیر قانونی تشدید می‌شود. در پرونده‌ای در ایالات جورجیا^۵ متهم به نام جیمز شون^۶ به فرد بزه‌دیدن به نام الیزابت گوتری^۶ حمله کرد و او را تهدید نمود که اگر سوار ماشینش نشود او را میکشد. بر اساس اظهارات بزه‌دیدن وقتی متهم او را به داخل اتومبیل هل داد او فرمان اتومبیل را محکم چسبید و بوق زد. متهم ناسزا گفت و آنجا را ترک کرد. بنا به گزارش پلیس گوتری پس از آنکه متهم از آنجا دور شد، با اراده

نمودند که اینجور هنگامی ارتکاب می‌یابد که فردی بدون رضایت بزه‌دیدن یا بدون مجوز قانونی و آگاهانه محدودیت‌هایی برای دیگران ایجاد نماید که ناقض آزادی رفت و آمد او باشد. بازداشت باید غیر قانونی و بدون رضایت بزه‌دیدن باشد. بازداشت افراد در چارچوب اختیارات قانونی پلیس یا انجام اینکار توسط والدین کودک به منظور تنبیه انضباطی کودک بازداشت غیر قانونی محسوب نمی‌شود. این جرم می‌تواند به رضایت بزه‌دیدن به عنوان یک دفاع در برابر اتهام استناد نمود. برای نمونه در پرونده‌ای متهم یک کشاورز بود. هنگامی که متهم میخواست به شهر برود خانمش را با زنجیر بست. با این وجود چون اثبات شده بود که متهم به درخواست همسرش برای بستن او به تختخواب اینکار را کرده بود فاقد مسئولیت کیفری در قبال بازداشت غیر قانونی شناخته شد. اجبار بزه‌دیدن به ماندن در جایی یا رفتن به جایی برخلاف میلش غالباً به عنوان رکن مادی این جرم توصیف می‌شود. توقیف ممکن است با ایجاد محدودیت فیزیکی یا تهدید توسط بزه‌دیدن از آن انجام شود. توقیف ممکن است بدون توسل به زور یا تهدید توسط بزه‌دیدن نیز انجام شود. برای نمونه توقیف ممکن است از طریق بستن در انجام شود. پروفیسور پرکینس^۱ و پروفیسور بویس^۲ خاطر نشان ساختند با ممانعت دیگری از رفت و آمد در یک یا چند مسیر تازمانیکه می‌تواند از مسیری دیگری استفاده نماید توقیف محقق نمی‌گردد. توقیف دیگری در یک اتوبوس در حال حرکت یا در هواپیمای رنده شده نیز ممکن است. (Perkins, Boyce, 1991, 244)

⁴ Georgia

⁵ James shune

⁶ Elizabeth Guthrie

¹ Professor Perkins

² Professor Boyce

³ Alabama

جریمه نقدی یا حداکثر به بیست سال یا هر دو مجازات محکوم میگردد. چنانچه نقض این ماده منتهی به مرگ شخص شود یا نقض آن مشتمل آذربائی یا سواستفاده جنسی مشدده یا شروع به ارتکاب سو استفاده جنسی مشدده یا شروع به قتل باشد مرتکب به جریمه نقدی یا حبس مدتدار یا حبسابد یا هر دو مجازات محکوم میشود. (Wallace, Roberson, 2015, 189)

۳ ارکان متشکله آذربائی در حقوق ایران و آمریکا

در این مبحث ارکان متشکله بزه آذربائی (عنصر قانونی، مادی و معنوی) در دو کشور ایران و آمریکا مورد بررسی قرار گرفته است.

۳،۱ رکن قانونی

رکن قانونی بزه آذربائی در حقوق کیفری ایران ماده ۶۲۱ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ چنین اشعار میدارد: هر کس به قصد مطالبه وجه مال یا به قصد انتقام یا به هر منظور دیگری به عین یا تهدید یا حیل یا به هر نحو دیگری شخصاً یا توسط دیگری، شخصی را برباید یا محضی کند به حبس از پنج تا پانزده سال محکوم خواهد شد. در صورتی که سنجیم علیه کمتر از پانزده سال تمام باشد یا ربودن توسط وسیله نقلیه انجام پذیرد یا به مجنی علیه آسیب جسمی یا حیثیتی وارد شود مرتکب به حداکثر مجازات تعیین شدن محکوم خواهد شد و در صورت ارتکاب جرایم

و اختیار خودش سوار اتومبیلش شد. متهم از آذربائی تبرئه شد اما محکوم به بازداشت غیر قانونی گردید. (Lippman, 2010, 363)

بازداشت غیر قانونی نگهداری یا توقیف عامدانه دیگری بدون مجوز قانونی است. توقیف ممکن است از طریق توسل به زور، تهدید توسل به زور یا سایر طرق تحقق یابد. (McCord et al., 2006, 120)

در بازداشت غیر قانونی انتقال بزه دیدن یا نگهداری بزه دیدن ضرورت ندارد. بازداشت غیر قانونی در صورتی که از مصادیق بازداشت غیر قانونی مشدد، نباشد یک جرم از درجه جنحه محسوب میشوند. (Samaha, 2011, 367)

مطابق کنوانسیون بینالمللی علیه گروگانگیری^۱، گروگانگیری جرم شناخته شده است. مطابق این کنوانسیون کشورهای عضو متعهد به تعقیب کیفری مجرمان یا استرداد آنها به کشورهای هستند که خود را مستحق تعقیب کیفری مجرم می دانند (Lippman, 2010, 357).

در کنگره آمریکا نیز قانون حمایت از بزه دیدگان قاچاق و خشونت در سال ۲۰۰۰ و قانون اقدام تعقیبی و سایر تدابیر برای پایان بخشیدن به بهره کشتی از کودکان عصر کنونی مصوب ۲۰۰۳ به تصویب رسید است. در سالهای اخیر در ایالات متحده آمریکا قوانین جامعی برای کنترل جرم از جمله در ارتباط با ضابطین قضایی و دیگر نهادها برای بخصوص مقابله با قاچاق انسان تصویب شده است. (Dill, 2006, 15)

هر شخصی که بانقض مقررات این فصل یا برای استفاده از کار یا خدمات دیگری او را اجبر، مخفی یا منتقل نماید یا او را به دیگری تحویل دهد یا از دیگری تحویل بگیرد به پرداخت

¹ Convention against the Taking of Hostages



توقیف دیگری در این ایالت نماید و او را به کشور، ایالت یا شهرستان یا بخش دیگری از همان شهرستان ببرد محکوم به آدم‌ربایی میشود. مطابق ماده ۳۱-۹۴۰ قانون ایالت ویسکانسین آدم‌ربایی عبارت است از انتقال دیگری از یک مکان به مکان دیگر بدون رضایت بزهدید و با قصد توقیف یا حبس بصورت مخفیانه یا بکارگماشتن یا انتقال اجباری بزهدید به خارج از این ایالت.

ماده ۱-۲۱۲ قانون جزای نمونه در خصوص آدم‌ربایی مقرر داشته: انتقال غیر قانونی دیگری از محل سکونت یا محل کارش یا انتقال دیگری با مقدار مسافت قابل ملاحظه از محلی که در آن یافت میشود یا توقیف غیر قانونی دیگری برای مدت زمان قابل توجه در یک مکان محصور چنانچه توأم با اهداف زیر باشد آدم‌ربایی محسوب میشود:

۱. توقیف بزهدید برای دریافت باج یا پاداش یا توقیف او به عنوان سپریلا یا گروگان یا؛
۲. برای تسهیل ارتکاب به هر نوع جنایت یا فرار پس از ارتکاب هر نوع جنایت؛
۳. برای ایجاد صدمه بدنی به بزهدید یا ارباب بزهدید یا دیگری یا؛
۴. برای مداخله در وظایف دولتی یا سیاسی.

بند (a) ماده ۴، ۱۲ قانون آدم‌ربانی بین‌المللی توسط والدین نیز مقرر داشته: هر کس کودکی را از ایالات متحده خارج نماید یا شروع به انجام آن نماید یا کودکی را که در ایالات متحده بوده است را به قصد ممانعت از اجرای حقوق والدینی در بیرون از ایالات متحده نگه دارد طبق این بند به جرمه یا حداکثر ۳ سال هر دو مجازات

دیگر به مجازات آن جرم نیز محکوم میگردد. لیکن این ماده مطابق قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹ در خصوص مجازات با تغییراتی همراه است. از این رو مطابق بند (ب) ماده ۱ این قانون چنانچه ارتکاب رکن مادی بزه آدم‌ربایی موضوع ماده ۶۲۱ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) مصوب ۱۳۷۵ با عنف یا تهدید باشد، مجازات حبس درجه چهار و در غیر این صورت (با حیل و یا به هر نحو دیگر) مجازات مرتکب حبس درجه پنج خواهد بود و در مواردی که سن مجنی علیه کمتر از پانزده سال تمام باشد با ربودن توسط وسایل نقلیه انجام پذیرد و یا به مجنی علیه آسیب جسمی یا حیثیتی وارد شود، مجازات آن مطابق قسمت دوم ماده ۶۲۱ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) مصوب ۱۳۷۵ حداکثر مجازات مقرر در قانون خواهد بود که با توجه به نحوه تعیین مجازات طبق قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مجازات مرتکب مشمول قسمت دوم ماده ۶۲۱ اصلاحی ۱۳۹۹/۲/۲۳ حسب مورد، حداکثر حبس درجه چهار یا درجه پنج خواهد بود. بعلاوه تبصره ماده ۶۲۱ ق.م.ا. ۱۳۷۵ نسخ و مجازات شروع به آدم‌ربایی مطابق ماده ۱۲۲ ق.م.ا. ۱۳۹۲ اعمال میشود.

عنصر قانونی آدم‌ربایی در ایالاتهای مختلف ایالات متحده آمریکا و قانون جزای نمونه متفاوت است که در ادامه به آنها میپردازیم.

مطابق ماده ۳۱-۹۴۰ قانون ایالت ویسکانسین آدم‌ربایی عبارت است از انتقال دیگری از یک مکان به مکان دیگر بدون رضایت بزهدید و با قصد توقیف یا حبس بصورت مخفیانه یا بکارگماشتن یا انتقال اجباری بزهدید به خارج از این ایالت.

ماده ۲۰۲ مجموعه قوانین کیفری ایالات کالیفرنیا مقرر میدارد: هر شخصی که با توسل به زور یا ارباب اقدام به ربایش یا

¹ Wisconsin

داشته تا جرم آدمربایی یا طفل ربایی تحقق یابد. مسالهائی که مطرح میشود این است که آیا آدمربایی جرمی آنی یا مستمر؟ در این خصوص بین حقوقدانان اختلاف نظر وجود دارد. برخی جرمی آنی می-دانند (میرمحمدصادقی، ۱۳۹۸، ۵۶۸). زیرا به محض جابجایی از محلی به محل دیگر، بدون رضایت او، اینجرم محقق است. در حالی که برخی عقیده دارند جابجایی اقدامی است که مستلزم گذشت زمان متعارف است. بنابراین آدمربایی را باید جرم مستمر بدانیم (آقایی، ۱۳۹۷، ۱۶۴). حال آنکه اساساً آنچه در آدمربایی لازم است صدق جابه جایی عرفی است، این جابه جایی میتواند حسب مورد در مدت زمان کوتاه یا طولانی حادث شود.

به نظر میرسد با توجه به اینکه هیأت عمومی دیوانعالی-کشور که در خصوص پروندهائی که مجنعلیه پس از وقوف قصد متهم مبنی بر آدمربایی آگاه شده خود را از وسیله نقلیه به بیرون پرتاب نموده است. هیاتعمومی دیوان عمل مرتکب را در حد شروع به آدمربایی دانسته است. از این رو اگر آدمربایی جرم آنی بود. میبایست هیأت دیوانعالی کشور عمل مرتکب را آدمربایی محسوب مینمودند نه شروع به آدمربایی (گلدوزیان، ۱۳۹۸، ۲۱۰). شعبه ۳۷ دیوانعالی کشور بیان داشته: صرف جابجایی شخص خصوصاً وقتی مقدمه‌ی ارتکاب جرم دیگری است، آدمربایی تلقی نمی‌گردد.

در حقوق کامنلا به آدمربایی عبارت میباشد از ربودن یا دزدیدن انسان و نقل مکان دادن او از محلی به محل دیگر بر خلاف میل و اراده‌اش. به عبارت دیگر استیلا پیدا کردن بر یک شخص نقل مکان دادن او از یک کشور به کشور دیگر به صورت غیرقانونی بر خلاف میل و خواست او، را آدم-ربایی

محکوم میگردد. اصطلاح کودک در این مقرر به معنای شخصی است که کمتر از شانزده سال دارد. اصطلاح «حقوق والدینی» در رابطه با کودک به معنای حق مراقبت و حضانت فیزیکی کودک است اعم از آنکه والدین کودک با هم یا جدای از هم زندگی نمایند (و شامل حق ملاقات نیز میشود) و خواه ناشی از اجرای قانون یا حکم دادگاه یا توافق قانوناً الزام آور فیما بین والدین باشد. (Samaha2015,424)

۳،۲ رکن مادی

ربودن که در ماده‌ی ۶۲۱ و ۶۳۱ قانون مجازات اسلامی مورد تصریح قرار گرفته است، مفهوم روشنی دارد، ربودن شخص عبارت از منتقل کردن او از جایی به جایی دیگر بدون رضایت او است. بنابراین جابجایی و تغییر مکان مفهوم اصلی ربودن است. به این ترتیب تفاوت این جرم با جرم بازداشت غیرقانونی در عنصر جابجایی و نقل و مکان است. اما میزان جابجایی لازم برای صدق عنوان ربودن به تشخیص عرف بستگی دارد و به طور دقیق نمیتوان آن را مشخص کرد. به تعبیر دیگر لازم است بزه‌دیدک آنقدر تغییر مکان داده شده باشد که عرف بگوید او از یک محل به محل دیگر منتقل شده است اما اینکه گفته شده است اگر شخص بازداشت شده، را از طبقه اول منزل به طبقه دوم آن منتقل کند، نمیتوان عمل او را آدمربایی دانست (آقایی، ۱۳۹۷، ۱۶۳). صحیح به نظر نمیرسد و ممکن است عرفاً همین میزان جابجایی برای صدق آدمربایی کفایت کند. آنچه از منطوق مواد ۶۲۱ و ۶۳۱ برمیآید، این است که با ربوده شدن شخص یا طفل؛ یعنی، انتقال وی از یک محل به محل دیگر، رفتار فیزیکی لازم برای تحقق جرم آدمربایی کفایت میکند. بنابراین لازم نیست که مرتکب پس از ربودن بزه‌دیدک رامدتی هم در محلی نگه



جرم آدم‌ربایی یا اخفاء، با رضایت بزهدید قابل تحقق نیست و صرف سوء نیت مرتکب و داشتن انگیزه‌های سوء و انجام عنصر مادی آدم‌ربایی و اخفاء، برای تحقق جرم کافی نخواهد بود. لازمه جرم آدم‌ربایی و اخفاء عدم رضایت مجبعلیه است. باید شخص، بدون رضایت خودش (به طور پنهانی یا علنی) جابه جا شود. بنابراین بستن در اتاق بر روی دیگری و یا همراه کردن دیگری با خود با میل و رضای وی آدم‌ربایی محسوب نمی‌شود.

عدم رضایت ممکن است با توسل به حيله و تقلب حاصل شود. مانند آن که مرتکب با استفاده از تاکسی یا مسافرکش، طرف را فریب دهد و یا برعکس به عنوان مسافر، سوار تاکسی شود و با دادن آدرس، راننده را به جهتیکه قصد آدم‌ربایی دارد، دلالت نماید که در صورت تحقق سایر شرایط آدم‌ربایی محقق است (آقایی‌نیا، ۱۳۹۷، ۱۶۷).

مقنن در ماده ۶۲۱ آدم‌ربایی را به نحو مداخله مستقیم با عبارت شخص برآید که منظور مواردی است که آدم‌ربایی توسط مرتکب یا مرتکبین مستقیماً و بدون واسطه دیگری انجام گیرد. یا مقنن مداخله غیر مستقیم که با عبارت توسط دیگری برآید پیشینی نموده است.

انتقال به عنف دیگری از یک مکان به مکان دیگر، به همان نحو مقرر در قانون ایالت کارولینای شمالی^۱، اساس آدم‌ربایی محسوب می‌شود. اینکه بزهدید به چه مقدار میبایست انتقال یابد از چالش‌های مهم این جرم محسوب می‌شود. اگر انتقال و توقیف بزهدید برای تسهیل ارتکاب یک جرم بوده باشد در صورتی آدم‌ربایی محسوب خواهد شد که اولاً، انتقال بزهدید ناچیز، بیاهمیت و از نتایج طبیعی سایر جرائم نباشد. ثانیاً، از عناصر ذاتی سایر

می‌گویند. هنگامی یک شخص به عنوان آدم‌ربا شناخته می‌شود که به صورت غیر قانونی دیگری را از محل اقامت یا کسب و کارش به محل دیگر منتقل کند.

مطابق قانون جزای نمونه (ماده ۱،۲۱۲) انتقال یا حبس در صورتی غیر قانونی است که با توسل به زور، تهدید یا اغفال انجام شود یا در مورد شخص کمتر از ۱۴ سال یا مجبور بدون رضایت والدین، قیم یا سایر اشخاص مسئول مراقبت از رفاه او انجام شود (Wallace Roberson: 2008, 186).

موضوع جرم آدم‌ربایی و بازداشت غیر قانونی، انسان زند است. بنابراین عمل ربایش باید نسبت به انسانی که زند است و حیات دارد انجام شود. مبدأ حیات از لحاظ زیست‌شناسی، انعقاد نطفه است. اما شرط تحقق ربایش و بازداشت انسان، مستقل بودن حیات است. بنابراین اگر زن حامله‌ای موضوع این جرم قرار گیرد، این جرم نسبت به جنین وی منتفی است. زیرا این جرم علیه آزادی رفت و آمد افراد هستند و جنین هر چند یک موجود زند است، ولی مفهوم آزادی برای او معنایی ندارد تا تعرض به آن عنوان مجرمانه به خود گیرد. با این اوصاف، نحوه نگارش مواد قانونی مربوطه، به گونه‌ای است که تردیدهایی را در این خصوص ایجاد می‌کند، این تردیدها بخصوص از قسمت اخیر ماده ۶۳۱ قانون مجازات اسلامی ناشی می‌شود که مقرر می‌دارد: چنان چه احراز شود که طفل مزبور مرده بوده مرتکب به یکصد هزار تا پانصد هزار ریال جزای نقدی محکوم خواهد شد. هم چنین مقنن در مواد ۶۳۵ و ۶۳۶ همین قانون، به ترتیب به مخفی کردن جنازه و مخفی کردن مقتول اشاره دارد و برای آنها مجازات تعیین کرده است.

¹ North Carolina

کالیفرنیا حکم محکومیت او به آدمربایی را با این استدلال نقض نمود که انتقال بزه‌دیدن از عناصر اصلی تجاوز به عنف و سرقت بوده است و نمی‌توان آن را آدمربایی محسوب نمود.

در حال حاضر دادگاهها معمولاً قوانین آدمربایی را صرفاً شامل مواردی میدانند که آدمربایی واقعی رخ داده باشد و شامل جرائمی نمیدانند که اساساً زنا به عنف یا ایراد ضرب و جرح و تهدید بوده و توقیف یا ربایش نتایج فرعی آن محسوب می‌شود. به عبارت دیگر قوانین آدمربایی در حال حاضر شامل توقیف یا انتقالی که از نتایج فرعی سایر جنایاتاند نخواهد شد. (Lippman, 2010, 359)

برای تحقق آدمربایی مطابق این ضابطه انتقال بزه‌دیدن میبایست از عناصر اصلی و بیش از یک عنصر فرعی در آن باشد. بر اساس آراء قضایی انتقال بزه‌دیدن هنگامی آدمربایی محسوب خواهد شد که سهم مهمی در ارتکاب جرم اصلی داشته باشد. به عبارت دیگر انتقال بزه‌دیدن مانع از آن شود که بزه‌دیدن بتواند درخواست کمک نماید، خطر کشف جرم و دستگیری مهم را کاهش دهد، فرار مهم را تسهیل نماید یا بزه‌دیدن را در معرض خطر بیشتری قرار دهد.

در آدمربایی وجود قصد مجرمانه خاص انتقال بزه‌دیدن بدون رضایت وی لازم است. (McCord et al 2006, 119) بنابراین، رکن مادی آدمربایی انتقال یا توقیف بزه‌دیدن میباید. در خصوص مقدار انتقال بزه‌دیدن برای تحقق آدمربایی بین دادگاهها اختلاف نظر وجود دارد. برخی دادگاهها انتقال بزه‌دیدن را برای مقدار کمی لازم می‌دانند و قانون جزای نمونه انتقال به مقدار قابل ملاحظه یا در خور توجه را لازم میدانند. (Samaha, 2011, 365)

جرائم نباشد. ثالثاً، وابستگی زیادی به سایر جرائم نداشته باشد به نحوی که ارتکاب سایر جرائم را به نحو قابل ملاحظه‌ای آسانتر نموده یا خطر کشف سایر جرائم را به نحو قابل ملاحظه‌ای کاهش دهد. دادگاههای فلوریدا^۱ در اعمال این ضابطه به کرات رأی داده‌اند که صرف تهدید بزه‌دیدن با سلاح و انتقال او از یک اتاق به اتاق دیگر و لو آنکه درب اتاق بسته شود ولی به بزه‌دیدن دسترسی برای خارج نشدن از آن اتاق داده نشود، برای محکومیت به آدمربانی کافی نیست. (Lippman, 2010, 364)

در یک پرونده معروف در ایالت کالیفرنیا متهم، بزه‌دیدن زنا به عنف را مجبور به طی مسافتی بیست و دو قدم برای ورود به اتومبیل متهم نمود و بر همین اساس نیز محکوم به آدمربایی شد. دادگاه عالی کالیفرنیا اعلام نمود که مقدار مسافتی که بزه‌دیدن انتقال یافته است در جرم آدمربانی اهمیت ندارد؛ بلکه واقعیت انتقال بزه‌دیدن اساس آدمربایی در این ایالت محسوب میشود. اغلب دادگاهها پس از درک این مسئله که تقریباً هر جرمی همانند زنا به عنف، سرقت به عنف و ایراد ضرب و جرح مشتمل بر مقداری انتقال بزه‌دیدن نیز می‌باشد از این رویکرد که صرف انتقال بزه‌دیدن برای تحقق آدمربانی را کافی میشناخت، دست کشیدند. در رویکرد سابق متهمان علاوه بر جرم اصلی به جرم آدمربایی نیز متهم شده و منجر به محکومیت آنها به حبس ابد بخاطر جرائم می‌شد که فاقد استحقاق چنین مجازات شدیدی بود. (Wallace, 2015, 190)

Roberson, 2015, 190 دادگاه عالی کالیفرنیا^۲ در پرونده دانیلز در سال ۱۹۶۹ که متهم این پرونده وارد آپارتمان بزه‌دیدن شده بود و با تهدید چاقو او را وادار به چند قدم حرکت و ورود به داخل اتاقی نمود که در آنجا مرتکب سرقت و تجاوز به عنف شد. دادگاه عالی

² California

¹ Florida

۳،۳ رکن معنوی

با وجود اختلاف نظر در رکن معنوی آدم‌ربایی دیدگاه غالب آن است که رکن معنوی آن از قصد انتقال یا توقیف بزه‌دیدن بدون رضایت وی تشکیل می‌شود.

۳،۳،۱ قصد مجرمانه

جرم آدم‌ربایی نیز همچون بقیه جرایم عمدی، نیاز به قصد مجرمانه و سوء نیت دارد و قصد مجرمانه، اراده آگاهانه نقض قانون جزاست، یعنی مرتکب بداند عملی را که انجام میدهد، از نظر قانون، جرم است و با این حال عمداً آن را انجام دهد. اگر قصد ربودن و معنی کردن را سوء نیت خاص بدانیم، این جرم نیاز به سوء نیت خاص نیز خواهد داشت (میرمحمد صادقی، ۱۳۹۸، ۵۶۰). اما اگر قصد ربودن و معنی کردن، جزئی از سوء نیت عام باشد، این جرم نیازی به سوء نیت خاص نخواهد داشت که به نظر می‌رسد احتمال دوم موجه‌تر باشد و در نتیجه مواردی که در ماده ۶۲۱ بیان شده است (قصد مطالبه وجه، قصد انتقام و هر منظور دیگر)، انگیزه ارتکاب جرم می‌باشد که در مسئولیت کیفری تأثیری ندارد.

برخی بر این عقیده‌اند قصد تحقق نتیجه مجرمانه و هدف نهایی مرتکب از ارتکاب جرم، شرط لازم برای تحقق برخی جرایم می‌باشد یعنی مرتکب علاوه بر اراده آگاه بر ارتکاب جرم باید نتیجه آن را هم فراهم کرده باشد. انتقال از مکانی به مکان دیگر و سلب آزادی از مته‌م و به عبارت دقیق‌تر قصد ربودن و معنی نمودن مته‌م سوء نیت خاص است (مرادپور، ۱۳۹۵، ۵۳).

بنابراین، در جرم آدم‌ربایی اگر قصد ربودن و محق‌کردن را سوء نیت خاص بدانیم، این جرم نیاز به سوء نیت خاص نیز خواهد

داشت. اما اگر قصد ربودن و معنی کردن، جزئی از سوء نیت عام باشد، این جرم نیازی به سوء نیت خاص نخواهد داشت که به نظر می‌رسد احتمال دوم موجه‌تر است.

مطابق برخی قوانین در آمریکا لازم است نگهداری فرد به یک منظور خاص و برای مثال توقیف شخص برای باج گرفتن یا توقیف شخص به عنوان گروگان، باشد. قانون ایالت فلوریدا وجود یک قصد مجرمانه خاص را لازم میدانند. قصد مجرمانه خاص ممکن است توقیف فرد برای باج گرفتن یا دریافت پاداش، استفاده از بزه‌دیدن به عنوان یک سپر بلا یا گروگان، ایراد صدمه بدنی، ارباب بزه‌دیدن یا ایجاد اختلال در وظایف دولت یا امور سیاسی باشد. ایالت تگزاس ربایش عامدانه یا آگاهانه دیگری با قصد ارتکاب اعمال فوق‌الذکر را آدم‌ربایی مشدد قلمداد مینماید.

۳،۳،۲ انگیزه مرتکب

در اکثر کتب حقوق کیفری، انگیزه به طور دقیق از مفاهیم دیگر تفکیک نشده است و معمولاً به جای مفهوم دیگری استعمال شده است. حقوق جزای ایران، انگیزه را در تحقق جرم موثر نمیداند مگر در موارد کاملاً استثنایی که مقنن تصریح نموده باشد. موارد استثناء در انگیزه، اصولاً در قلمرو جرایم علیه امنیت مشاهد می‌شود. مانند مواد ۵۰۵ و ۵۱۲ که انگیزه برهم زدن امنیت کشور است (پوربافرانی، ۱۳۹۷، ۲۰).

غرض قانونگذار از عبارت «یا به هر منظور دیگری» خارج ساختن انگیزه سوء از مصادیق حصری صدر جمله «قصد مطالبه وجه یا مال یا انتقام، و تمثیلی نمودن انگیزه مرتکب در محدوده انگیزه‌های سوء است. اگر چنین استدلالی را نپذیریم و انگیزه را موثر در وقوع آدم‌ربایی و اخفا موضوع ماده ۶۲۱ ندانیم

که پاسخ به این پرسشها مثبت است؛ اما منطق حقوقی و انصاف قضایی اقتضا میکند که چنین عملی را مشمول ماده مذکور ندانیم، همچنان که سابقه وضع این ماده به خوبی بیانگر این مطلب عبارت «هر منظور دیگر» است؛ زیرا ماده يك قانون تشدید مجازات ربایندگان اشخاص، به جای عبارت هر منظور سوء دیگر عبارت انگیزه خیر خواهانه را به کار برده بود در نتیجه، باید گفت که انگیزه خیر خواهانه، در این جا نسبت «هر منظور سوء دیگر» در مسئولیت کیفری تأثیر دارد و سوء نیت را به کلی زایل میکند (آقایی، ۱۳۹۷، ۱۷۱-۱۷۰). اما در این خصوص نیز نظر مخالف وجود دارد. برخی بیان نموده اند که انگیزه اعم از شرافتمندانه یا غیر آن باشد در تحقق آدمربایی بی تأثیر است و تنها می تواند موجب تشدید یا تخفیف مجازات باشد (گلدوزیان، ۱۳۹۷، ۳۸۵). برخی دیگر نیز بیان نموده اند که سوء انگیزه برخلاف مقررات سابق تأثیری بر ماهیت جرم ندارد (حبیبزاده، شریفی، ۱۳۹۱، ۳۲). ماده ۶۲۱، گرچه قصد سوء را بیان نکرده، اما مواردی که در این ماده به عنوان مصداق بیان شده است (قصد مطالبه وجه و قصد انتقام)، ظهور در این مطلب دارد. در برخی موارد دیده میشود که صاحب خانه یا اهالی محل، دزدی را در حال دزدی، دستگیر کرده و در محلی، مخفی یا بازداشت میکنند تا سپس تحویل مقامات مسئول بدهند؛ اما شخص یا اشخاص مخفی کنند، به عنوان آدمربایی یا مخفی کردن دیگری تحت تعقیب قرار می گیرند که این امر، بدون اشکال نیست.

در حقوق کیفری آمریکا انگیزه مرتکب در جرم آدمربانی بی تأثیر است. برای مثال اگر مأمور پلیس فردی را در ایالتی دستگیر نماید و به صورت غیر قانونی او را به ایالت دیگری که در آنجا به اتهام قتل عمد قابل تعقیب است برد مرتکب جرم آدمربانی شده است ولو آنکه انگیزه او برای اجرای عدالت

چگونه باید میان اخفا موضوع این ماده و ماده ۵۸۳ قابل به تفصیل گردید؟ به عبارت دیگر، نتیجه این تفسیر آن است که اولاً انگیزه شرط لازم برای آدمربایی و اخفا در ماده ۶۲۱ میباشد و ثانیاً چنانچه سوء باشد مصداق آن موثر در وقوع جرم نخواهد بود (آقایی، ۱۳۹۷، ۱۶۹).

در تفسیر مفهوم سوء در انگیزه باید معیار عرف را ملاک قرار داد. بعضی از حقوقدانان معتقدند، اگر زن مطلقه ای فرزند خود که حضانتش بر عهده پدر است را در راه کودکستان و به انگیزه ارضاء عواطف مادری برآید و پس از چند ساعت او را اعاده نماید، به نظر میرسد آدمربایی موضوع ماده ۶۲۱ محقق نشود. نباید خروج اقدام از ماده ۶۲۱ را به معنای مباح بودن آدمربایی و اخفا تلقی نمود، بلکه چنین اقدامی ممکن است از مصادیق بازداشت و یا اخفا غیر قانونی موضوع ماده ۵۸۳ ق.م.ا باشد (گلدوزیان، ۱۳۹۸، ۲۲۲).

امانکتهای که در این جا باید مورد توجه قرار گیرد، آن است که گاهی ممکن است مرتکب دارای انگیزه خیر خواهانه ای باشد؛ مثلاً دختری را که در معرض تجاوز و هتک حیثیت است، برآید تا گزند بی او نرسد یا شخصی را که تحت تعقیب مجرمان است و جانش در خطر میباشد مخفی کند، بدون این که شخص ربوده شده یا مخفی شده، از این موضوع خبر داشته باشد و به آن رضایت داده باشد. یا مردی همسر خود را، که بدون اجازه وی به مکانهای ناشایستی میرود. یا مردی، همسر خود را که منزل را ترک نموده، از خانه پدرش برآید و به منزل خود بیاورد (میرمحمد صادقی، ۱۳۹۸، ۵۶۶).

آیا چنین اعمالی را میتوان به استناد ماده ۶۲۱ ق.م.ا ۱۳۷۵، تحت تعقیب قرار داد؟ ممکن است از ظاهر ماده ۶۲۱ چنین استنباط شود

است؛ آن است که شخص صغیر و کمر سن، نیاز به حمایت بیشتری دارد و ربودن او آسیب فراوانی بر وی وارد می‌سازد. همچنین افراد کمر سن، زودتر فریب دیگران را می‌خورند و اغفال می‌شوند؛ بنابراین باید از حمایت بیشتری برخوردار شوند (آقایی‌نیا، ۱۳۹۷، ۱۷۳).

مسئله‌ای که میتوان مطرح کرد این است که آیا لازم است آدم‌ربا از سن مجبعلیه آگاه باشد. به دیگر سخن آیا در رکن معنوی خدشه‌ای وارد نمیشود؟ در پاسخ به این سوال میتوان بیان نمود که مقنن به نحو اطلاق سن بزه‌دید را تعیین نموده و از عناصر مادی جرم محسوب نمیشود و جهل مرتکب در سن بزه‌دید موثر نیست زیرا اساساً جهل به قانون پذیرفته نیست. بعلاوه رکن معنوی به عامد بودن مرتکب برای آدم‌ربایی کفایت میکند زیرا سن مرتکب اساساً تغییری در ماهیت آدم‌ربایی ندارد بلکه موجب تشدید مجازات است.

نکته‌ای که لازم است ذکر شود این است که آیا سن بزه‌دید بر اساس سن شرعی باید تعیین شود یا بر اساس تقویم رسمی کشور؟ در پاسخ به این سوال باید بیان کرد که در حدود قدر متقن سن شرعی است و لازم است که در جرایم حدی بر اساس سن شرعی عمل نمود اما از آنجا که آدم‌ربایی جرم تعزیری است لذا از این قاعده مستثناء است. و باید بر اساس سن عرفی عمل شود.

مطابق بند (ب) ماده ۱ قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹ حبس تعزیری درجه چهار (بیش از ۵ تا ۱۰ سال) خواهد بود. بدین معنا که در غیر موارد عفو و تهدید، و عناوین مشدده سهگانه ذیل ماده ۶۲۱ ق.م.ا. ۱۳۷۵ مجازات آدم‌ربایی درجه پنج (بیش از ۲ تا ۵ سال) خواهد بود.

قابل تحسین باشد تحقق جرم آدم‌ربایی منوط به آن نیست که مرتکب برای تحصیل منفعت مالی آن را مرتکب شده باشد. عبارت «یا به نحو دیگر» مقرر در این قانون شامل مواردی میشود که هدف مرتکب از آدم‌ربایی سکوت یک شاهد باشد. یا هدف وی تمتع جنسی از بزه‌دید باشد.

۴ کیفیات مشدده آدم‌ربایی

در حقوق کیفری ایران و آمریکا مواردی به عنوان کیفیات مشدده بزه آدم‌ربایی بیان شده که موجب تشدید مجازات مرتکب میشود در ذیل این موارد مورد بیان شده است.

۴,۱ کیفیات مشدده در حقوق ایران

در حقوق کیفری ایران در خصوص بزه آدم‌ربایی مقنن برخی اعمال در خصوص بزه‌دید را از عوامل مشدده بزه آدم‌ربایی دانسته است و مرتکب را به حداکثر مجازات قانونی بزه آدم‌ربایی (مجازات درجه چهار؛ حبس بیش از ۵ تا ۱۰ سال) محکوم کرده است.

۴,۱,۱ سن بزه‌دید

مقنن در ماده ۶۲۱ بیان داشته در صورتی که سن مرتکب کمتر از ۱۵ سال باشد به حداکثر مجازات آدم‌ربایی که مطابق قانون کاهش مجازات تعزیری مصوب ۱۳۹۹ محکوم می‌شود. در مورد سن شخص ربوده شده، همچنان به همان ملاک پانزده سال که در قانون تشدید مجازات آدم‌ربایی، پیش‌بینی شده بود، باید اکتفا نمود و گویی سن بلوغ در این جا تأثیری ندارد، بلکه مهم آن است که مجبعلیه در سنی باشد که آسیب‌پذیری او زیاد باشد. علت این که قانونگذار، صغرسن را یکی از علل تشدید مجازات قرار داده

ر بودن و مخفی کردن و عدم تغذیه صحیح آسیبی به او برسد، موجب تشدید مجازات خواهد بود.

آسیب حیثیتی به مجنیعلیه به معنای آن است که آبرو و حیثیت مجنیعلیه در معرض تضییع قرار گیرد و این آسیب معمولاً در مواردی که مجنیعلیه پسر پچهای زیبا یا از جنس مؤنث باشد، مفروض دانسته میشود اما در موارد دیگر باید چنین آسیبی از سوی مجنی علیه به اثبات برسد (آقایی، ۱۳۹۷، ۱۷۵). به نظر میرسد با توجه به عبارت آسیب جسمی یا حیثیتی غایت مقنن اعم از عمدی و غیر عمدی و توسط دیگران باشد را شامل میشود.

۴، ۱، ۴ به عنف یا تهدید

مطابق قانون مجازات کاهش حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹ یک عنوان مشدده دیگری به بزه آدمربایی اضافه شد است. این عنوان مشدده بودن دیگری به عنف و تهدید است. در واقع مقنن انگیزه را در عنوان مشدده دخیل دانسته است. از این رو، اگر شخصی دیگری را به عنف یا تهدید برآید مجازات او حبس تعزیری درجه چهار (حبس بیش از ۵ تا ۱۰ سال) است.

۴، ۲ کیفیات مشدده در حقوق کیفری

آمریکا

در قوانین فدرال برخی آدمربانیها مشدده محسوب میشود. در صورتی که شخص بزه‌دید از صاحب منصبان بیگانه، افراد برخوردار از حمایت بینالمللی یا از مهمانان رسمی واجد شرایط مقرر در ماده ۱۱۱۶ (b) بخش ۱۸ باشد. بزه‌دید از صاحب منصبان و کارمندی باشد که در ماده ۱۱۱۴ بخش ۱۸ توصیف شده‌اند و این

۴، ۱، ۲ آدمربایی با وسیله نقلیه

وسيله نقلیه بیشتر منصرف به وسیله نقلیه موتوری می‌باشد؛ اما اطلاق آن در این جا شامل وسیله نقلیه غیر موتوری، مانند دوچرخه نیز میشود و به نظر میرسد منظور قانونگذار، وسایلی است که ارتکاب جرم آدمربایی را تسهیل میکنند، هر چند وسیله‌های مانند تراکتور باشد. و علت این که ربودن با وسیله نقلیه، علت مشدده مجازات به حساب می‌آید، آن است که ارتکاب جرم به این صورت، هم آسانتر است و هم موجب رعب و وحشت فراوان میشود و امکان فرار مجنیعلیه کمتر میباشد (میرمحمد صادقی، ۱۳۹۸، ۵۶۹).

لازم است آدمربایی با وسیله نقلیه باشد تا مرتکب مشمول تشدید مجازات شود. از این رو در صورتی که آدمربایی بدون وسیله نقلیه باشد و بعداً مرتکب از وسیله نقلیه استفاده کند مشمول تشدید مجازات نمیشود. زیرا مقنن به نحو صریح بیان کرده ربودن به وسیله نقلیه باشد.

۴، ۱، ۳ ایراد صدمه به بزه‌دید

آسیب جسمی گرچه ظهور در آسیب بدنی دارد، اما ظاهراً آسیب روحی و روانی را هم در بر میگیرد. آسیبی که به مجنیعلیه وارد میشود، گاهی بر اثر عملیات آدمربایی است، مانند اینکه مجنیعلیه در مقابل عملیات آدمربایی مقاومت کند و آسیبی به او برسد و گاهی آدمربا به قصد اذیت و آزار مجنیعلیه، آسیبی به او وارد میکند که ظاهر ماده، همه این صورتهار را در بر میگیرد، اما باید توجه داشت که لازم است میان ربودن و ورود آسیب، رابطه علیت وجود داشته باشد، بنابراین اگر مجنیعلیه در محل اختفای خود اقدام به خودکشی کند یا برای فرار، خود را از جایی پرت کند، مشمول این عنوان مشدده نخواهد بود، اما اگر بر اثر

مطابق مقرر 351 (b) مجموعه قوانین فدرال در صورتی که جرم آدم‌ربایی منتهی به مرگ بزه‌دید شود مجازات تشدید می‌شود که مجازات آن اعدام است.

وفق ماده 1201 (a) (ربایش صاحب منصبان رسمی یا اشخاص برخوردار از حمایت بین‌المللی یا مهمانان رسمی بدون آنکه منوط به انتقال آن از ایالتی به ایالت دیگر باشد مجازات آدم‌ربایی تشدید می‌گردد. حداکثر مجازات این جرم حبس مدت دار یا حبس ابد می‌باشد و اعمال این مجازات منوط به ایراد صدمه به بزه‌دید نمی‌باشد. چنانچه ارتکاب این جرم منتهی به مرگ فردی شود اعمال مجازات اعدام یا حبس قانوناً مجاز می‌باشد. (Dill, 2006: 31).

طبق ماده ۱۷۵۱ چنانچه بزه‌دید آدم‌ربایی رئیس‌جمهور آمریکا، رئیس‌جمهور منتخب آمریکا معاون رئیس‌جمهور یا اگر چنین سمتی وجود ندارد دومین مقام رسمی عهده‌دار وظایف رئیس‌جمهور ایالات متحده، معاون رئیس‌جمهور یا هر شخصی باشد که طبق قانون اساسی و مقررات ایالات متحده عهده‌دار وظایف رئیس‌جمهور است مجازات مرتکب آن حبس موقت یا حبس ابد خواهد بود. چنانچه این جرم منتهی به مرگ بزه‌دید شود، مجازات مرتکب آن اعدام، حبس موقت یا حبس ابد خواهد بود. چنانچه دو یا چند نفر برای ربایش اشخاص فوق‌الاشعار با هم تبانی نمایند و یکی از آنها برای همین منظور کاری انجام دهد تمامی آنها به حبس موقت یا حبس ابد محکوم خواهند شد. در صورتی که چنین رفتاری منجر به مرگ بزه‌دید شود مجازات آن اعدام، حبس موقت یا حبس دائم می‌باشد.

طبق ماده 1201 (a) (ربایش صاحب منصبان خارجی، افراد برخوردار از حمایت بین‌المللی یا مهمانان رسمی خارجی به همان

اعمال علیه بزه‌دید در حال انجام وظایف رسمی یا به مناسبت انجام وظایف رسمی او ارتکاب یافته باشد. (Samaha, 2011, 422)

- (c) چنانچه دو یا چند نفر برای نقض این ماده (آدم‌ربانی) تبانی نمایند و یک یا چند نفر از آنها برای اجرای آن اقدام آشکاری نماید مجازات هر یک از آنها حبس مدت دار یا حبس ابد خواهد بود.
- (e) چنانچه بزه‌دید جرم موضوع بند (a) از اشخاص برخوردار از حمایت بین‌المللی و خارج از ایالت متحده باشد، با رعایت شرایط زیر در صلاحیت ایالت متحده می‌باشد: بزه‌دید از نمایندگان پارلمان، صاحب منصبان، کارمندان یا کار گزاران ایالت متحده باشد. بزه‌کار از اتباع ایالات متحده باشد. بزه‌کار بعداً در ایالات متحده یافت شود. عبارت (ایالات متحده) در این بند شامل کلیه مناطق تحت صلاحیت ایالت متحده از جمله هر یک از اماکنی است که مشمول مواد ۷ و ۵۰۶ بخش ۱۸ و ماده ۶۵۰۱ بخش ۴۹ می‌باشند. مطابق این بند، اصطلاح (تبعه ایالات متحده)، دارای همان مفهومی است که در ماده 101۲۲ (a) (قانون مهاجرت و تابعیت توصیف شده است) (Samaha, 2011, 423) بخش ۸.
- (g) قاعده خاص در قبال جرایم مرتبط با صغار در صورتی قابل اعمال به آنها خواهد بود: الف) بزه‌دید این جرم کمتر از ۱۸ سال باشد. ب) بزه‌کار دارای ۱۸ سال باشد و از والدین، اجداد، برادر، خواهر، خاله، عمه و دایی بزه‌دید یا از کسانی نباشد که قانوناً حق مراقبت از بزه‌دید را دارد. مجازات چنین جرمی طبق این قانون حداقل ۲۰ سال حبس است. در این مورد میزان مجازات تشدید می‌یابد تا قبح این رفتار و وضعیتی که طفل در آن قرار داده شده را منعکس نماید (وفق جزء g ماده ۱۲۰۱).

مجازات شروع به آن مطابق بند (ب) ماده ۱۲۲ ق.م.ا. ۱۳۹۲ حبس تعزیری درجه پنج و در غیر این صورت مطابق بند (پ) ماده ۱۲۲ ق.م.ا. ۱۳۹۲ حبس یا شلاق یا جزای نقدی درجه شش است. بند (a) ماده ۱۲۰ آد مریایی مجموعه قوانین فدرال مقرر داشته: هر کس بدون مجوز قانونی اقدام به توقیف، حبس، ربایش و انتقال دیگری نماید و او را خواه برای دریافت پول یا پاداش در آزادی رها یا غیر آن در اختیار خود بگیرد جزء در صورتی که این اعمال توسط والدین کودک انجام شود با رعایت شرایط زیر به حبس مدتدار که ۲۰ سال حبس است تشدید میشود. در برخی مواقع مجازات آد مریایی در حقوق کیفری آمریکا تشدید می شود حبس بلند مدت، حبس ابد، یا اعدام است. ربایش صاحب منصبان رسمی یا اشخاص برخوردار از حمایت بینالمللی یا مهمانان رسمی باشد یا اشخاص ماده ۱۷۵۱ باشند یا در صورتیکه آد مریایی منتهی به مرگ بز دیده شود.

نحوه که مصادیق آن در ماده ۱۱۱۶ (b) تعیین شده است نیز آد مریایی مشدده محسوب میشود. مطابق ماده ۱۱۱۶ نیز صاحب منصبان خارجی عبارتند از پادشاه یا مقام معادل آن، رئیس جمهور، جانشین رئیس جمهور، نخست وزیر، سفرا، وزیر خارجه، اعضای هیئت دولت خارجی (هیئت وزیران)، بالاترین مقام سازمانهای بینالمللی یا هر شخصی که قبلاً دارای چنین سمتی بوده است و هر یک از اعضاء خانواده آنها که در ایالات متحده اقامت دارند. یا هر شخصی که دارای تابعیت خارجی است و بنحوی شایسته به ایالات متحده به عنوان یک صاحب منصب یا کارمند دولت خارجی یا سازمان بینالمللی معرفی شده است و کسی که برای تجارت رسمی در ایالات متحده اقامت دارد و هر یک از اعضای خانواده آنها که در رابطه با حضور این صاحب منصبان و کارکنان در ایالات متحده اقامت دارند مجازات در این حالت تشدید میشود. (Wallace, Roberson, 2015, 190).

۶ نتیجه گیری

جرمانگاری نقض حق آزادی شخصی در دو نظام کیفری صورت پذیرفته است. در زمینه اعمال سیاستهای کیفری در کشورهای مورد مطالعه تفاوتی قابل توجهی وجود دارد. جرم-انگاری چندپاره رفتارهای سالب حق آزادی شخصی و به عبارت دیگر عدم تجمیع آنها در یک عنوان مجرمانه واحد یا پایه در حقوق کیفری ایران علاوه بر تقطیع رکن قانونی چالشهای تفکیک در رکن مادی را نیز ایجاد می نماید. از سوئی دیگر کیفرگذاری نامتوازن و عدم توجه به تناسب بین جرم و مجازات بازنگری در قانون مجازات در این خصوص را ضروری میسازد. لیکن در حقوق آمریکا جرم-انگاری واحد و تناسب بین جرم و مجازات نشان از کارآمد بودن آن است. هر چند

۵ واکنش کیفری ایران و آمریکا

مجازات ساده آد مریایی که مقرون به هیچ یک از کیفیات مشدده نباشد در حقوق کیفری ایران مطابق قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹ حبس تعزیری درجه پنج (حبس بیش از ۲ تا ۵ سال) است. در صورتی که مقرون به کیفیات مشدده باشد حد اکثر مجازات آد مریایی که حبس تعزیری درجه چهار (حبس بیش از ۵ تا ۱۰ سال) است اعمال میشود. مجازات شروع به آد مریایی نیز مطابق بند (پ) ماده ۱ قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹، تبصره ماده ۶۲۱ ق.م.ا. ۱۳۷۵ نسخ شده است و اعمال مجازات مطابق ماده ۱۲۲ ق.م.ا. ۱۳۹۲ است. از این رو، اگر مجازات مشدده باشد،

۴. حمایت کیفری ویژه از اشخاص آسیب‌پذیر همانند اشخاص دارای ناتوانی جسمی یا روانی، زنان، بیماران، سالخورده‌گان و نوجوانان کمتر از ۱۸ سال علاوه بر اطفال تا ۱۵ سال مقتضی تشدید مجازات آدم‌ریایی آنها می‌باشد.
۵. اتخاذ سیاست‌های تشویقی به منظور تسهیل در کشف و تعقیب جرم، شناسایی مرتکب یا مرتکبان و آزادی بزه‌دیدن اقتضا می‌نماید که مقنن کیفری معاذیر تخفیف دهنده مجازات برای جرم آدم‌ریایی را نیز پیش‌بینی نماید.
۶. جرمانگاری مشدده آدم‌ریایی سازمان‌یافته یا مبتنی بر اقدامات مجرمانه مشترک.

دو نظام حقوقی توجیهی به جرایم سازمان‌یافته و نظام حقوقی ایران توجیهی به معاذیر معاف‌کننده نداشته است. دیدگاه غالب قصد مجرمانه انتقال دیگری و توقیف بزه‌دیدن برای رکن معنوی را کافی می‌داند. جرائم سالب آزادی شخصی در دو سطح فدرال (دولت مرکزی) و هر یک از ایالت‌ها به نحو مستقل پیش‌بینی شده است. مجازات توقیف غیرقانونی، آدم‌ریایی حبس موقت یا حبس ابد و مجازات گروگان‌گیری حبس موقت یا حبس ابد یا اعدام می‌باشد. جرائم توقیف غیرقانونی و آدم‌ریایی هنگامی طبق قانون فدرال قابل تعقیب کیفری می‌باشند که بزه‌دیدن از یک ایالت به ایالت دیگر در آمریکا یا به خارج از کشور آمریکا انتقال یافته باشد مگر در صورتی که بزه‌دیدن از اشخاص برخوردار از حمایت بین‌المللی یا یکی از صاحب‌منصبان رسمی آمریکا همانند رئیس‌جمهور یا معاون رئیس‌جمهور باشند یا بزه‌دیدن یکی از مقامات و کارمندان رسمی بوده و در حال انجام وظایف رسمی یا به مناسبت آن رپوده شده باشد.

پیشنهاد میشود:

۱. شایسته است قانونگذار ایران تمامی رفتارهای سالب آزادی شخصی را به صورت یکپارچه و در ضمن یک مقررده قانونی واحد جرمانگاری و سیستم مجازات‌های مندرج را اعمال نماید.
۲. تعهد بین‌المللی الحاق ایران به کنوانسیون مقابله با گروگان‌گیری انطباق جرمانگاری صریح را ضروری می‌نماید.
۳. اتخاذ جرمانگاری مستقل کودکان بابت توسط والدین و اتخاذ مجازات خفیفتر آن پیشنهادی گردد.

منابع

۱) منابع فارسی:

کتاب

آقایی، حسین: جرایم علیه اشخاص، چاپ هفدهم. تهران، نشر میزان، ۱۳۹۷.

بهری، محمد: نگرشی بر حقوق جزای عمومی، چاپ پنجم، تهران، نشر مجد، ۱۳۹۴.

پوربافرانی، حسن: حقوق جزای اختصاصی، جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی، چاپ سوم، تهران، انتشارات جنگل، جاودانه، ۱۳۹۷.

غلامحسینی، رضا: بررسی آدم‌ریایی و تروریسم از دیدگاه حقوق داخلی و بین‌المللی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، ۱۳۸۴.

رهای، محسن؛ آبانگاه، محمد: «بررسی و مقایسه جرایم آدمربایی و بازداشت غیرقانونی در حقوق جزای ایران»، فصلنامه تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بینالملل. دوره ۴، شماره ۱۱، ۱-۲۵، ۱۳۹۰.

غلام، نبیاله؛ جعفر حبیبزاده، محمد: «ضمانت اجرای کیفری گروگانگیری در حقوق ایران با نگاهی به اسناد بین-المللی»، پژوهش حقوق کیفری، سال ۵، شماره ۱۹، ۷۲-۴۱، ۱۳۹۶.

منصور، رحمدل: «سلب آزادی از اشخاص در قانون مجازات-اسلامی»، فصلنامه حقوقی تطبیقی ایران و بینالملل، دوره ۷، شماره ۲۴، ۱۹۹-۹۱، ۱۳۹۳.

(ب) منابع لاتین:

Harvey, Wallace & Cliff, Roberson, Principles of criminal law, 6th ed, New York, Pearson, 2015.

James W. H. McCord, J.D. & Sandra L. McCord, M.A., Criminal Law and Procedure for the Paralegal- a System Approach, 4th ed, Thomson Delmar Learning, 2006.

Joel, Samaha, Criminal Law, 10th ed, Wadsworth Cengage Learning, 2011.

Matthew, Lippman, Contemporary Criminal Law, 2th ed. SAGE Publications, Inc. California, 2010.

Rollin M. Perkins and Ronald N. Boyce, Criminal law, 3th ed. Mineola, NY; Foundation press, 1991.

Sara Elizabeth Dill, Human Trafficking and the Modern Justice Systems, New York, 2006.

U. S. Department of Justice, A Family Resource Guide on International Parental kidnapping, United States, Penny Hill Press, 2015.

غفاری، همایون: آدمربایی در حقوق جزای ایران، پایاننامه کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۷.

گلدوزیان، ایرج: محشای قانون مجازات اسلامی، چاپششم، تهران، نشر مجد، ۱۳۹۷.

گلدوزیان، ایرج: حقوق جزای اختصاصی، چاپ بیست و چهارم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۹۸.

مرادپور، آمنه: مطالعه تطبیقی بزه آدمربایی در حقوق کیفری ایران و فرانسه، پایاننامه کارشناسی ارشد. دانشگاه دامغان، دانشکده علوم انسانی، ۱۳۹۵.

میرزندهدل، احمد (۱۳۹۳). فرهنگ حقوق، چاپ سوم تهران: نشر آمه.

میرمحمد صادقی، حسین: حقوق جزای اختصاصی، جلد اول، چاپ بیست و هشتم، تهران، نشر میزان، ۱۳۹۸.

11- مصدق، محمد: شرح قانون مجازات اسلامی، چاپ نهم، تهران، انتشارات جنگل جاودانه، ۱۳۹۵.

مقالات

حبیبزاده، محمد جعفر؛ شریفی، محسن: تحلیل ارکان جرم آدمربایی در روند قانونگذاری ایران با نگاهی به حقوق فرانسه، پژوهشنامه اندیشه‌های حقوقی، شماره ۲۱، ۴۳-۱۹، ۱۳۹۱.